



Conceptual Model of Underlying Factors in Women Domestic Violence against Men

Hadi Ghazizadeh ^{1,*} , Kianoosh Zahraakar ², Alireza Kiamanesh ³, Farshad Mohsenzadeh ⁴

¹ Ph. D. Student, Department of Counseling, Kharazmi University, Tehran, Iran

² Associate Professor, Kharazmi University, Tehran, Iran

³ Professor, Department of Counseling, Islamic Azad University, Research and Sciences Branch, Tehran, Iran

⁴ Assistant Professor, Department of Counseling, Kharazmi University, Tehran, Iran

* **Corresponding author:** Hadi Ghazizadeh, Associate Professor, Kharazmi University, Tehran, Iran. E-mail: ghazizadeh_hadi@yahoo.com

Received: 15 Jul 2017

Accepted: 06 Jul 2018

Abstract

Introduction: Marital violence is one of the most topic in family domain. The goal of this violence is hurt to spouse into psychic, physical, verbal, finance or emotional abuse. One of the variety of domestic violence to pay fewer is women marital violence against men.

Methods: This study was done with qualitative research and grounded theory method. Sampling continued until theoretical saturation was obtained. Totally 34 participants (17 couples) with marital violence experience were interviewed in semi structured and in-depth method and analyzed using the grounded theory.


Results: Finding indicated women domestic violence against men have personal, couples, families and para family chief dimensions with its subsection. Then with regard to finding, causal condition, facilitating conditions, phenomena and strategies and its Conceptual model and selective coding explained.

Conclusions: The phenomenon and pivotal category in this conceptual model is marriage inappropriate. Its underlying factors are individual factors that include issues such as physiological and biological issues, addiction, personality disorders and personality traits as well as family factors such as non-discrimination, family structure, building power in the family, and inappropriate family experiences. Economic, occupational, organizational, social and cultural factors play the role of the underlying factors, and irrational thoughts, differences between men and women and marital myths are interfering factors. Men and women in the face of this violence use ineffective communication patterns, resulting in these false solutions, frustration, the loss of love and intimacy, the overcoming of relationships, sexual deviations and disorders in men.

Keywords: Marital Violence, Women Marital Violence against Men, Grounded Theory, Conceptual



مدل مفهومی عوامل زمینه ساز خشونت زناشویی زنان علیه مردان از دیدگاه مردان

هادی قاضی زاده^{۱*} ، کیانوش زهراکار^۲، علیرضا کیامنش^۳، فرشاد محسن زاده^۴

۱ دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲ دانشیار، گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۳ استاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

۴ استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: هادی قاضی زاده، دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. ایمیل: ghazizadeh_hadi@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۴/۲۴

چکیده

مقدمه: خشونت زناشویی یکی از موضوعات مهم حوزه خانواده می‌باشد. این نوع خشونت، با هدف آسیب رساندن به همسر به شکل روانی، فیزیکی، کلامی، مالی یا عاطفی صورت می‌گیرد. یکی از انواع خشونت خانگی که تا به حال کمتر به آن پرداخته شده است، خشونت خانگی زنان علیه مردان از دیدگاه مردان، می‌باشد.

روش کار: این پژوهش با شیوه کیفی و با استفاده از روش نظریه داده بنیاد انجام شد. با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند، مشارکت کننده‌ها، انتخاب شدند و تا رسیدن به اشباع نظری در نهایت ۱۷ مرد دارای تجربه خشونت زناشویی و ساکن شهر تهران مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته قرار گرفته و با استفاده از روش داده بنیاد، مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که خشونت خانگی زنان علیه مردان، دارای ابعاد اصلی فردی، زوجی، خانوادگی و فراخانوادگی می‌باشد که خود به مقوله‌های فرعی تقسیم می‌شوند. سپس با توجه به نتایج به دست آمده شرایط علی، شرایط مداخله گر، شرایط زمینه‌ساز، پدیده، راهبردها و پیامدها استخراج گردیده‌اند و مدل مفهومی مربوطه و خط داستانی، تبیین شد.

نتیجه گیری: پدیده و مقوله محوری در این مدل مفهومی، ازدواج نامناسب است. عوامل زمینه ساز آن، عوامل فردی بوده که در آن مواردی همچون مسائل فیزیولوژیک و بیولوژیک، اعتیاد، اختلالات شخصیتی و ویژگی‌های شخصیتی و همچنین، عوامل خانوادگی مانند تمایز نیافتگی، ساختار خانواده، ساخت قدرت در خانواده و تجربیات نامناسب خانوادگی قرار می‌گیرد. عوامل اقتصادی، شغلی و سازمانی، اجتماعی و فرهنگی نقش عوامل زمینه ساز را بر عهده گرفته و افکار غیر منطقی، تفاوت‌های بین زن و مرد و اسطوره‌های زناشویی عوامل مداخله گر هستند. زن و مرد در مقابل این خشونت، از الگوهای ارتباطی ناکارآمد استفاده می‌کنند و حاصل این راهکارهای غلط، ایجاد احساس ناکامی، از بین رفتن عشق و صمیمیت، رابطه فرزندناشویی، انحرافات و اختلالات جنسی مردان می‌شود.

واژگان کلیدی: خشونت زناشویی، خشونت زناشویی زنان علیه مردان، نظریه داده بنیاد، مدل مفهومی

تمامی حقوق نشر برای انجمن علمی پرستاری ایران محفوظ است.

مقدمه

واحدی کوچک، متشکل از حداقل دو یا سه نفر است، اما از نظر اهمیت، آن را از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی و نخستین منبع سازندگی و پرورش نسل و عالی‌ترین سرچشمه خوشبختی و غنی‌ترین منبع عاطفه دانسته‌اند. از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل‌های سالم و سازنده میان انسانها و برقرار بودن عشق به هم‌نوع و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است [۱]. زوجین و خانواده‌ها به عنوان

خانواده، مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین نهاد اجتماع محسوب می‌شود که می‌تواند تأثیرات مطلوب و نامطلوب پایدار و بزرگی را بر اعضای خود به جای گذارد. خانواده را می‌توان سازمان اجتماعی محدود و نهاد سازنده‌ای دانست که از طریق ازدواج که یک پیوند شرعی و تعهد اجتماعی است، شکل می‌گیرد. هدف از تشکیل خانواده استقرار آرامش و هموار نمودن بستر رشد و شکوفایی شخصیت است. خانواده معمولاً

شده و سپس کتک‌های مفصلی خورده‌اند و تعداد مردان قربانی شده هم ۸۳۴۷۰۰ نفر بود [۱۳]. بر اساس گفته لاپری (۲۰۰۴)، در سال ۱۹۸۷، یک زمینه یابی در کانادا انجام گرفت و از ۵۲۸ زن و ۴۲۶ مرد متأهل که بیشتر از ۱۸ سال سن داشتند، پرسیده شد که آیا آنها در ۱۲ ماه گذشته، خشونت فیزیکی نسبت به همسرشان داشته‌اند و نتیجه این شد که ۲۳٫۳ درصد زنان و ۱۷٫۸ درصد مردان پذیرفتند که خشونت فیزیکی را حداقل یک بار در سال گذشته داشته‌اند [۱۴]. اداره آمار کانادا در سال ۱۹۹۹ هم گزارش داد که ۴ درصد مردان و ۴ درصد زنان در روابطشان، خشونت فیزیکی را گزارش کرده‌اند. در طول یک سال، خشونت زن علیه مرد ۲ درصد و خشونت مرد علیه زن هم ۲ درصد گزارش شده است. در این پژوهش، ۱۴،۲۶۹ زن شرکت کرده بودند و ۱۱/۶۰۷ مرد و سن آنها هم بالاتر از ۱۵ سال بود. این زمینه یابی به این نتیجه رسید که زنان بیشتر از مردان تمایل دارند تا شکل‌های شدیدی از خشونت را گزارش کنند. حدود ۵۰ مطالعه، نشان داده که درصد خشونت توسط مردان و زنان یکسان بوده است [۱۲]. سازمان بهداشت جهانی (۲۰۰۲)، گزارش داده که ۱۴ درصد از علت مرگ مردان ۱۵ تا ۴۴ سال و ۷ درصد مرگ زنان در این سنین، به خاطر خشونت خانگی بوده است [۱۵]. در زمینه خشونت زناشویی زنان علیه مردان در داخل کشور، آمار دقیقی وجود ندارد ولی در مورد خشونت زناشویی مردان علیه زنان، داده‌های یک طرح پژوهشی که توسط وزارت کشور و با همکاری مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری و وزارت علوم در سال ۱۳۸۳ در ۲۸ استان کشور انجام گرفت، نشان می‌دهد که در شهرهای مراکز استان‌ها، ۵۳ درصد از زنان در یک سال گذشته حداقل یکی از انواع هشت گانه خشونت را تجربه کرده‌اند. به عبارت دیگر تقریباً از هر دو زن متأهل ساکن شهرهای بزرگ، یک نفر با رفتار خشونت آمیز همسر خود در یک سال گذشته مواجه بوده است. بیشترین نوع خشونت تجربه شده، خشونت روانی و کلامی با ۴۲/۶٪ و کمترین نوع آن، خشونت مربوط به امتناع از طلاق و واگذاری حضانت فرزندان با سهمی معادل ۴/۷ درصد است [۱۶].

با وجود شیوع نسبتاً بالای خشونت خانگی زنان علیه مردان و مطرح شدن آن در جامعه، پژوهش‌های اندکی در مورد عوامل زمینه ساز این مساله انجام شده است. در پژوهش‌های مختلف به عوامل متفاوتی همچون علل فردی، بین فردی و اجتماعی اقتصادی اشاره شده است. کاستا، کستل و دیگران (۲۰۱۵)، برای بررسی علت و عوامل پیش بینی کننده خشونت زناشویی زنان و مردان، ۲۵ پژوهش را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که علت و عوامل زمینه ساز خشونت زناشویی را می‌توان در سه دوره رشدی مختلف مورد بررسی قرار داد. در دوران کودکی مواردی همچون آزارها و سوء استفاده‌های دوران کودکی، خطرات و ریسک‌های خانواده مبدأ، مشکلات رفتاری و خطرات اجتماعی و دموگرافیکی قرار می‌گیرد. در دوران نوجوانی مسایلی همچون مشکلات رفتاری، سوء مصرف مواد، خطرات نشأت گرفته از گروه همسالان و آزارهای دوران نوجوانی قرار دارد که می‌تواند زمینه ساز تحت خشونت قرار گرفتن فرد و یا ارتکاب خشونت باشد [۱۷]. گوناگونی متفاوتی در مورد این عوامل در پژوهش‌ها، مشاهده می‌شود که مهم‌ترین علت آن کمتر گزارش دادن این خشونت‌ها به دلایل اضطراب، ترس از ارزیابی دیگران یا بی میلی برای فراخوانی خاطرات عنوان شده است [۱۸]. این گوناگونی و کمبود داده‌های آزمایشی، موجب

یک سیستم زنده، نقش اساسی و مهمی را در جوامع بر عهده دارند و با توجه به اهمیت و جایگاه بی نظیرشان، توجهی ویژه و روزافزون را طلب می‌کنند [۲]. می‌توان گفت سنگ بنای خانواده در ازدواج است. درصد بسیاری از افراد در مراحل از زندگی خود وارد روابط زناشویی صمیمانه‌ای می‌شوند و بیش از ۹۰ درصد افراد، در برهه‌ای از زمان، ازدواج می‌کنند [۳]. ازدواج نیازمند همکاری، همدلی، وحدت، علاقه، مهربانی، بردباری و مسئولیت پذیری است. با شروع ازدواج و ایجاد رابطه زناشویی، رضایت زناشویی به متغیری مهم در رابطه با کیفیت ازدواج بدل می‌شود [۴].

از آنجا که خانواده به منزله پناهگاهی مقدس برای آسایش خانواده و هماهنگی بنا شده است، خشونت زناشویی حقیقتاً با آن همخوانی ندارد و از نظر لغوی هم با چنین مفهومی از خانواده ناهمگون است. خشونت تصویر آرام خانه و نیز امنیتی را که حاصل خویشاوندی است، در هم می‌شکند. با این حال، بر اساس شواهد موجود، سرشت دسیسه انگیز این خشونت در سراسر جهان و در میان ملیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف به اثبات رسیده است [۵]. خشونت زناشویی به نوعی پرخاشگری اشاره دارد که در روابط زوجین رخ می‌دهد و گاهی اوقات تحت عنوان همسرآزاری، خشونت زناشویی، زن‌آزاری، شریک‌آزاری و عبارات دیگر توصیف شده است [۶]. این نوع خشونت، سوء رفتاری است که از جانب یکی از اعضای خانواده بر یک عضو یا اعضای دیگر خانواده اعمال می‌شود و ابزاری برای تثبیت قدرت مردانه و نمایی از سلطه جویی است که طرف مقابل در این رابطه فاقد ارزش و اعتبار انسانی می‌شود [۷]. خشونت زناشویی یک مساله اجتماعی پیچیده و جدی است که هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سلامتی زیادی را برای افراد و خانواده‌ها به جای می‌گذارد [۸]. این نوع خشونت، مشکلات جدی اجتماعی و سلامتی به بار می‌آورد ولی در کشورهای زیادی تشخیص و گزارش داده نمی‌شود و هنوز هم به عنوان رفتارهای متعارف شناخته می‌شود [۹]. خشونت بین فردی در اروپا موجب مرگ ۷۳۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۲ شده است و به این ترتیب مقام سوم مرگ و میر را به خود اختصاص داده است [۱۰]. خشونت خانگی در روابط زناشویی به دو نوع خشونت مرد علیه زن و خشونت زن علیه مرد تقسیم می‌شود. به این نوع خشونت خانگی که در آن مرد یا زن ممکن است مبادرت به خشونت کنند، خشونت زناشویی مشترک گفته می‌شود [۱۱].

خشونت زناشویی فقط توسط مردان اتفاق نمی‌افتد، بلکه زنان هم نسبت به مردان، خشونت را به کار می‌گیرند. این مبحث که خشونت در دو جنس به صورت یکسانی اتفاق می‌افتد، اولین بار به سال ۱۹۷۵ بر می‌گردد. محققان، دو هزار خانواده را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که ۱۱/۶ درصد از مردان و ۱۲/۱ درصد از زنان، نسبت به شریک خود با خشونت رفتار می‌کنند. مطالعات استراس و همکاران (۱۹۹۹) در کانادا، مشخص کرد که نسبت‌های مشابهی از خشونت وجود دارد. محققان، گزارش دادند که مردان به احتمال زیاد، خیلی بیشتر از زنان، خطرناک‌ترین و پرصدمه‌ترین پرخاشگری‌ها را به کار می‌برند. زن‌ها نیز، مردان خود را سرکوب کرده، چاقو به دست شده و از اسلحه استفاده می‌کردند [۱۲].

جدیدترین داده‌های موسسه عدالت از یافته‌های استراس درباره نسبت مساوی خشونت زناشویی حمایت می‌کند. در سال ۱۹۹۸، بررسی خشونت زناشویی ثابت کرد که همه ساله ۱٫۵ میلیون زن، زنی به عنف

۱. تمایل به مصاحبه و همکاری در انجام پژوهش ۲. داشتن تحصیلات حداقل دیپلم و ۳. شکایت و ناراضی‌تاری از رابطه و تجربه داشتن خشونت زناشویی. انتخاب مشارکت‌کننده‌ها در پژوهش کیفی، که بر اساس برخی از متون پژوهشی ۶ الی ۸ نفر، عنوان شده است [۲۳]. در این پژوهش، بر اساس اشباع نظری مشخص گردید. زمانی که سیستم مقوله‌ها یا به اصطلاح "نظریه" اشباع شود، فرایند جمع‌آوری اطلاعات متوقف می‌شود. اشباع داده‌ها زمانی مشخص می‌شود که داده جدیدی از مصاحبه‌ها بدست نیاید. پژوهشگر بعد از انجام ۱۷ مصاحبه با مردان دارای تجربه خشونت زناشویی، به این اشباع رسید به صورتی که در سه مصاحبه آخر، مفاهیم جدیدی اکتساب نمی‌شد.

روش نمونه‌گیری هم، به صورت هدفمند و البته داوطلبانه انجام گرفت، به این صورت که برای انتخاب افراد به دادرهای خانواده شمال و جنوب تهران و مراکز مشاوره مراجعه شد و با کسانی که شرایط ورود به مطالعه را دارا بودند و تمایل شرکت در پژوهش داشتند، مصاحبه شد.

تاکنون برای بررسی اعتبار و روایی داده‌های کیفی، روش‌های مختلفی ذکر شده است. در این پژوهش برای بررسی اعتبار داده‌ها، از روش مستندسازی استفاده شد به این معنا که گام‌های مختلف انجام پژوهش، مشخص و روشن است تا دیگر پژوهشگران هم بتوانند، همین فرایند را دنبال کنند و با شیوه کار و مفاهیم به کار گرفته شده، آشنا گردند.

روایی در پژوهش کیفی با این پرسش مربوط می‌شود که آیا روش‌ها، رویکردها و فنون به واقع با یکدیگر مرتبط است و آنچه را می‌خواهید بیابد می‌سندج یا نه. مکسول (۱۹۹۶) معتقد است مقصود از روایی، اعتماد به توصیف‌ها، نتایج، تبیین، تفسیر یا دیگر انواع جوابگویی‌هاست. هر چند روایی داده‌ها در کانون اصلی رویکردهای کیفی قرار ندارند، اما به منظور اطمینان از روایی نتایج، داده‌ها، باید به طریقی مورد بررسی و تأیید قرار گیرد.

برای بررسی روایی داده‌ها در این پژوهش از روش‌های روایی درونی و بیرونی استفاده گردید. در روایی درونی، رواسازی مقوله‌ها و روابط از طریق تحلیل مقایسه‌ای و مداوم داده‌ها و با رفت و آمد مکرر میان سه مرحله کدگذاری، پرسش‌های مجدد و مقایسه‌های مجدد انجام می‌گیرد [۲۴]. محقق به طور مستمر به حفره‌های معنایی و جاهای خالی مفهومی توجه می‌کند و نسبت به دقت، سازگاری، ثبت و معناداری، عمومیت و قابل بررسی بودن نظریه مراقبت به عمل می‌آورد. پژوهشگر با توجه به این موضوع در تمامی مراحل کدگذاری و ایجاد نظریه، رفت و برگشت مکرر به مصاحبه‌ها و داده‌های قبلی داشت تا اصلاحات لازم، به عمل آید. در روایی بیرونی از الگوی بحث در گروه‌های کانونی استفاده می‌شود. نظریه و یافته‌های به دست آمده، با تشکیل بحث در گروه‌های کانونی، متشکل از اطلاع‌رسانان کلیدی اولیه، اعتباریابی می‌شوند، تا نظریه بیشتر مورد مذاقه و ویرایش قرار گیرد و اصلاح شود. یکی از روش‌هایی که در این زمینه وجود دارد، روایی پاسخگو است. در روایی پاسخگو، صحت داده‌های به دست آمده از پاسخگوها بررسی می‌شود و در آن پژوهشگر، بازگشتی به شرکت‌کنندگان دارد تا بتواند با توجه به تأیید صحت داده‌ها نظریه در حال تکوین را اصلاح کند [۲۴].

پژوهشگر برای دست یافتن به روایی بیرونی، علاوه بر بررسی مجدد کدگذاری‌ها، توسط مصاحبه‌شوندگان از نظرات ۵ نفر از متخصصان حوزه مشاوره هم بهره برد. انعطاف‌پذیری این امکان را به پژوهشگر می‌دهد که نقش خود را در ایجاد گزارش تحلیلی، تصدیق کند.

بررسی اندک خشونت خانگی در فرهنگ‌های مختلف شده است [۱۹]. هدف انجام این پژوهش، بررسی دقیق عوامل زمینه‌ساز خشونت خانگی زنان علیه مردان به گفته مردان بوده که به صورت کیفی، انجام شده است. علت استفاده از رویکرد کیفی در انجام این پژوهش، مشخص نبودن علت و عوامل زمینه‌ساز این نوع خشونت زناشویی و همچنین فقدان مدل مربوطه در فرهنگ ایرانی و اسلامی، می‌باشد. اگرمن (۲۰۱۶) می‌گوید که انجام چنین پژوهش‌هایی می‌تواند نقش مهمی را در ایجاد آگاهی و سیاست‌های عمومی و برنامه‌هایی برای کنترل این خشونت زناشویی، ایجاد نماید [۱۸]. همان طوری که ذکر شد، پژوهش حاضر با هدف بررسی دقیق عوامل زمینه‌ساز خشونت زناشویی زنان علیه مردان به گفته مردان و همچنین تهیه مدل مفهومی مربوطه انجام گرفت.

روش کار

رویکرد کیفی در پژوهش، فرصتی برای توصیف مفاهیم، معانی و پدیده‌هایی است که در تعاملات انسانی و اجتماعی شکل می‌گیرد. نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و باورهای انسان‌ها در مورد خودشان و جهان اطرافشان از مهم‌ترین عرصه‌ها در این رویکرد است. [۲۰]. برای انجام پژوهش، ابتدا بعد از انتخاب نمونه مناسب، از مصاحبه نیمه ساخت یافته استفاده شد. در این روش یک برگه راهنمای مصاحبه تهیه می‌شود که در آن صرفاً فهرستی از پرسش‌ها یا موضوع‌های اصلی تهیه می‌گردد و مصاحبه‌گر هم الزامی در ترتیب مطرح کردن آنها ندارد [۲۱].

تئوری‌های استخراج شده از روش داده بنیاد، به صورت استقرایی از پدیده مورد مطالعه، منشعب می‌گردند. این تئوری‌ها، از طریق داده‌های تجربی و تجزیه و تحلیل آنها کشف و توسعه داده می‌شوند. جمع‌آوری اطلاعات و بسط نظریه، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. در نظریه داده بنیاد، تحقیق با یک تئوری و سپس اثبات آن آغاز نمی‌شود، بلکه روند تحقیق با یک حوزه مطالعاتی شروع گردیده و به تدریج موارد مرتبط ورود پیدا می‌کنند [۲۲].

برای انجام مصاحبه‌ها، پژوهشگر ابتدا با کمک اساتید، سوالاتی را طراحی کرد و از آنها به عنوان الگویی در مصاحبه‌ها استفاده کرد، ضمن اینکه قاعدتاً نوع سؤالات در مصاحبه‌های مختلف، تفاوت می‌کرد. پژوهشگر، مصاحبه را با معرفی خودش شروع می‌کرد و توضیحاتی در مورد کار و محرمانگی اطلاعات به دست آمده، ارائه می‌داد. در فرایند مصاحبه، از سوالاتی همچون "می‌توانید در این مورد بیشتر صحبت کنید؟"، "منظورتان از این جمله یا کلمه چه بود؟" یا "موارد دیگری به ذهنتان می‌رسد؟" استفاده شد و همچنین مهارت‌هایی همچون گوش دادن فعال، انعکاس احساس و محتوی و همچنین خلاصه کردن به کار گرفته شد. مدت زمان مصاحبه‌ها از ۴۰ تا ۷۰ دقیقه برای هر نفر به طول انجامید و همه مصاحبه‌ها با کسب اجازه از مراجعین ضبط گردید و بلافاصله بعد از اتمام هر مصاحبه، پیاده‌سازی شد و بعد از آن، کدگذاری باز، محوری و انتخابی، انجام شد. مصاحبه‌ها در مکانی ساکت انجام شد و با زن و مردها به صورت جداگانه در نیمه اول سال ۱۳۹۵، در دادرها و مراکز مشاوره، مصاحبه گردید.

جامعه مورد مطالعه این پژوهش، شامل کلیه زوجین ساکن در شهر تهران بود که آزار یا آزارهایی را از طرف همسرشان را تجربه کرده بودند. به عبارتی ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از:

کند. اجماع داده‌ها، اجماع داده‌ها به معنای استفاده از منابع چندگانه داده‌ها، مانند گردآوری از گروه‌های مختلف، محیط‌های مختلف، یا در زمان‌های مختلف می‌باشد [۲۳]. پژوهشگر، برای نیل به این هدف از زوجین مختلف در مناطق و فرهنگ‌های مختلف شهر تهران، استفاده کرد.

در تمامی مراحل انجام پژوهش، اعم از انتخاب افراد در مصاحبه‌ها و آگاهی آنان از اهداف کلی پژوهش، عدم ورود به مسائل شخصی شرکت کنندگان، عدم افشای اطلاعات خصوصی آنها، تحلیل و گزارش یافته‌ها تلاش گردید تا به اصول رازداری و محرمانگی، پایبندی کامل، وجود داشته باشد.

یافته‌ها

در جدول ۱، مشخصات توصیفی مصاحبه‌شوندگان مرد آورده شده است:

روش‌هایی مانند مقایسه پایدار و مداوم و تهیه دست‌نوشته‌های منظم در مورد نقش پژوهشگر و فرایند شناختی او آگاهی مناسبی به پژوهشگر می‌دهد. پژوهشگر با بازشناسی زمینه رشته‌ای و نظری خود باید بکوشد، قبل از اینکه عهده دار جمع‌آوری داده‌ها شود، اطمینان حاصل کند روشی که برای جمع‌آوری داده‌ها به کار می‌گیرد، نسبت به بینش‌های جدید شرکت‌کنندگان باز است. در هر حال این تکنیک‌های کدگذاری باز نتایج را بر اساس لغات شرکت‌کنندگان بیان می‌کنند و از افشاگری مقوله‌های ناپخته در نظریه در حال تحول جلوگیری می‌کند [۲۴].

پژوهشگر، برای نیل به این هدف تلاش کرد تا ضمن در نظر داشتن پژوهش‌ها و منابع گذشته در مورد خشونت خانگی زنان و مردان، تعصب خاصی نسبت به آنها نداشته باشد و از مفاهیم جدید به دست آمده از مصاحبه‌ها استفاده کند. علاوه بر این، پژوهشگر تلاش کرد تا پیش فرض‌ها و باورهای شخصی خودش را هم در مفاهیم و کدگذاری‌ها، دخالت ندهد و بی‌طرفی و امانتداری کامل را در تحلیل داده‌ها رعایت

جدول ۱: مشخصات توصیفی مصاحبه‌شوندگان مرد

شماره مصاحبه شونده	سن	تحصیلات	سال‌های زندگی مشترک	تعداد فرزندان	شغل	تجربه طلاق قبلی	شهر محل زندگی	قومیت
۱	۳۵	فوق لیسانس	۴	۱	کارمند		تهران	فارس
۲	۳۹	فوق لیسانس	۱۷	۲	کارمند		تهران	فارس
۳	۳۴	لیسانس	۵	۱	کارمند		تهران	فارس
۴	۴۳	لیسانس	۱۹	۲	کارمند		تهران	فارس
۵	۲۸	دیپلم	۴	۱	آزاد		تهران	فارس
۶	۳۴	دیپلم	۱	۰	آزاد		تهران	فارس
۷	۳۴	دیپلم	۴	۰	آزاد	دارد	تهران	فارس
۸	۳۴	لیسانس	۷	۰	آزاد		تهران	فارس
۹	۶۰	دیپلم	۲۴	۲	بازنشسته		تهران	بختیاری
۱۰	۷۲	دیپلم	۵	۱	بازنشسته		تهران	فارس
۱۱	۲۸	لیسانس	۶	۰	کارمند		تهران	فارس
۱۲	۳۲	فوق دیپلم	۶	۰	بیکار		تهران	فارس
۱۳	۵۲	لیسانس	۴	۰	بازخرید	ازدواج دوم	تهران	فارس
۱۴	۵۲	لیسانس	۲۰	۲	آزاد		تهران	فارس
۱۵	۵۳	لیسانس	۲	۰	بیکار	دارد	تهران	فارس
۱۶	۳۵	لیسانس	۵	۱	آزاد		تهران	فارس
۱۷	۴۷	لیسانس	۱۶	۲	آزاد		تهران	فارس

عدم شناخت صحیح همسر شده و این مفهوم همراه با مفاهیم عدم آمادگی روان‌شناختی برای ازدواج و ملاک‌های اشتباه ازدواج تبدیل به مقوله‌ای به نام ازدواج نامناسب می‌شود و این مقوله همراه با مقولات مسائل فیزیولوژیک و بیولوژیک، اعتیاد، احساس ناکامی، اختلافات شخصیتی و ویژگی‌های شخصیتی در طبقه عوامل فردی، قرار می‌گیرد.

تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها، بر اساس سه مرحله صورت گرفت که به شرح زیر می‌باشند.

کدگذاری باز

کدگذاری باز، اولین سطح تحلیل مفهومی داده‌ها را تشکیل می‌دهد. تحلیل‌گر کار خود را با پراکندن یا شکستن داده‌ها آغاز می‌کند. به همین علت از اصطلاح کدگذاری باز استفاده می‌کنیم. هدف در اینجا این است که از داده‌ها برای ایجاد مقوله‌های مفهومی انتزاعی استفاده

همان طوری که در جدول فوق، مشاهده می‌شود مردانی که مورد مصاحبه قرار گرفتند، از ۲۸ تا ۷۲ سال بوده‌اند، به جهت تحصیلات ۵ نفر دیپلم، ۱ نفر فوق دیپلم، ۹ نفر لیسانس و ۲ نفر فوق لیسانس بوده‌اند. همچنین از ۱ تا ۲۴ سال سابقه زندگی مشترک، داشته‌اند. به جهت شغلی نیز، همچنان که مشاهده می‌شود ۷ نفر شغل آزاد، ۵ نفر کارمند، ۳ نفر بازنشسته و بازخرید و ۲ نفر هم بیکار بوده‌اند. تعداد فرزندانشان ۰، ۱ و ۲ بوده و سه نفر هم سابقه طلاق داشته‌اند. همه ساکن تهران بوده و به غیر از یک نفر، بقیه اصالتاً فارس بوده‌اند.

در جدول ۲، کدهای ثانویه، مفاهیم، مقولات و طبقات به دست آمده است. قبل از رسیدن به این جدول، کدهای اولیه و جملات معنادار مصاحبه‌ها به دست آمد و کدهای مرتبط با هر یک مشخص شد. مجموع کدهای ثانویه، تبدیل به مفهوم مربوطه شد. به عنوان مثال آموزش کم نسبت به جنس زن و مرد، عجله مرد در ازدواج، عدم شناخت کافی جنس زن قبل از ازدواج، ازدواج اجباری مرد تبدیل به مفهومی به نام

مقوله‌ای به نام ازدواج نامناسب می‌شود و این مقوله همراه با مقولات مسائل فیزیولوژیک و بیولوژیک، اعتیاد، احساس ناکامی، اختلالات شخصیتی و ویژگی‌های شخصیتی در طبقه عوامل فردی، قرار می‌گیرد. **جدول ۲** از ۳۶۵ کد اولیه به دست آمده و دارای ۱۱۰ کد ثانویه، ۴۱ مفهوم، ۱۸ مقوله و ۴ طبقه می‌باشد.

همان طوری که مشاهده می‌شود عوامل زمینه ساز خشونت خانگی زنان علیه مردان به گفته مردان به چهار طبقه اصلی تقسیم شده که عبارتند از عوامل فردی، عوامل زوجی، عوامل خانوادگی و عوامل فراخانوادگی که در ادامه به توضیح آنها پرداخته می‌شود.

عوامل فردی: این عوامل، ویژگی‌ها و مواردی را مطرح می‌کند که بیشتر جنبه فردی دارد و همین عوامل، منجر به بروز خشونت‌ها و آسیب‌هایی نسبت به مردان می‌شود. این عوامل، عبارتند از مسائل فیزیولوژیک و بیولوژیک، اعتیاد، احساس ناکامی، ازدواج نامناسب، اختلالات شخصیتی و ویژگی‌های شخصیتی.

عوامل زوجی: این عوامل، مربوط به طریقه ارتباط بین زوجین در حوزه‌های مختلف می‌شود که عبارتند از الگوهای ارتباطی ناکارآمد، تفاوت‌های بین زن و مرد، اسطوره‌های زناشویی و اختلالات جنسی مرد. عوامل خانوادگی: در این طبقه، عوامل مربوط به خانواده قرار می‌گیرد که زمینه ساز آزار نسبت به مردان می‌شود این عوامل عبارتند از: تمایزناافتگی، ساختار خانواده، ساخت قدرت در خانواده، تجربیات نامناسب خانوادگی.

عوامل فراخانوادگی: این عوامل، شامل مسایلی است که فراتر از حوزه زوج و خانواده قرار دارد و بسترساز ایجاد خشونت‌ها می‌شود. این عوامل عبارتند از: عوامل اقتصادی، عوامل شغلی سازمانی، عوامل اجتماعی و عوامل فرهنگی.

کنیم که بعد از آنها در ساخت نظریه استفاده نماییم. بر این اساس، برای انجام این پژوهش ابتدا بعد از انجام و ضبط مصاحبه‌ها و نوشتن یادداشت‌های مربوط به هر یک، مصاحبه‌ها پیاده سازی شد و هر یک مطالعه گردید و سپس به کدگذاری‌های باز مصاحبه اول، پرداخته شد. با توجه به کدگذاری مصاحبه اول، مصاحبه دوم طراحی و اجرا شد و این فرایند ادامه پیدا کرد تا اشباع حاصل شد. بعد از رسیدن به اشباع، کدگذاری ثانویه، مفاهیم، مقولات و طبقات طراحی گردید. جهت رفع تناقض‌های موجود، فرایند بازگشت مکرر به متون انجام شد و در جهت تدوین مفاهیم و مقولات مناسبتر از نظر اساتید محترم، مقالات، کتاب‌ها و متون مرتبط، استفاده شد.

در انجام کدگذاری باز داده‌ها، دو مساله مد نظر قرار داشت. یکی مقایسه کردن و دیگری مطرح کردن سوالات مختلف. برچسب‌ها و همچنین قطعات مختلف داده‌ها، مدام با همدیگر مقایسه می‌شدند با این هدف که از برچسب‌های یکسان و همگون استفاده شود. علاوه بر این از سوالات مختلفی همچون این قطعه از داده‌ها مثالی از چیست؟ یا این قطعه از داده‌ها چه کار می‌کند و یا معرف چیست؟ و این قطعه از داده‌ها بر چه مقوله و یا ویژگی از یک مقوله دلالت می‌کند؟ برای کدگذاری بهتر و متناسب‌تر استفاده شد.

در **جدول ۲**، کدهای ثانویه، مفاهیم، مقولات و طبقات به دست آمده است. قبل از رسیدن به این جدول، کدهای اولیه و جملات معنادار مصاحبه‌ها به دست آمد و کدهای مرتبط با هر یک مشخص شد. مجموع کدهای ثانویه، تبدیل به مفهوم مربوطه شد. به عنوان مثال آموزش کم نسبت به جنس زن و مرد، عجله مرد در ازدواج، عدم شناخت کافی جنس زن قبل از ازدواج، ازدواج اجباری مرد تبدیل به مفهومی به نام عدم شناخت صحیح همسر شده و این مفهوم همراه با مفاهیم عدم آمادگی روان شناختی برای ازدواج و ملاک‌های اشتباه ازدواج تبدیل به

جدول ۲: عوامل زمینه ساز خشونت خانگی زنان علیه مردان (به گفته مردان)

مقولات	مفاهیم	کدهای ثانویه
عوامل فردی		
مسائل فیزیولوژیک و بیولوژیک	عوامل ژنتیکی	ژنتیکی بودن خشونت زن
اعتیاد	اعتیاد به دارو	مصرف داروهای تیرونید توسط زن، مصرف داروهای آرامبخش توسط زن
احساس ناکامی	عدم امید به بهبودی اوضاع	حل نشدن مشکلات زن و مرد در گذر زمان
ازدواج نامناسب	عدم شناخت صحیح همسر	آموزش کم نسبت به جنس زن و مرد، عجله مرد در ازدواج، عدم شناخت کافی جنس زن قبل از ازدواج، ازدواج اجباری مرد
ازدواج نامناسب	عدم آمادگی روان شناختی برای ازدواج	عدم آمادگی روان شناختی مرد برای ازدواج، نداشتن هدف مشخص مرد از ازدواج، ازدواج مرد در سن کم
ازدواج نامناسب	ملاک‌های اشتباه ازدواج	وسواس زیاد مرد در انتخاب‌های گذشته، در نظر گرفتن زمان قطعی برای ازدواج توسط مرد، ازدواج مرد فقط برای رفع نیاز جنسی
اختلالات شخصیتی	اختلالات شخصیت پارانوئید	کینه‌ای بودن، لجباز بودن، اعتماد نداشتن به دیگران، تحقیر کردن به دیگران، سوء ظن داشتن
اختلالات شخصیتی	اختلال شخصیت خودشیفته	مغرور بودن، حسود بودن، پرتوقع بودن، خود را عقل کل دانستن، نیازمند تمجید دیگران
اختلالات شخصیتی	اختلال شخصیت وسواس جبری	اولویت دادن به شغل، خسیس بودن، کمال طلبی، متعصب بودن در عقاید و رفتار
اختلالات شخصیتی	اختلال شخصیت افسردگی	علاقه‌مندی به تنهایی کار کردن، ناامید بودن، جسارت نداشتن، سردی عاطفی، کم حوصله بودن، درون گرا بودن، اعتماد به نفس پایین
اختلالات شخصیتی	اختلال شخصیت منفعل مهاجم	زود عصبانی شدن، داشتن استرس زیاد، گذشت زیاد

زیاده خواهی، مستقل بودن، ساده و زودباور بودن، دهن بینی، صبر و تحمل پایین، حامی نبودن، لوس بودن، مستقل بودن، عدم پختگی روانی، منفعت طلبی	ویژگی‌های شخصی زن	ویژگی‌های شخصی زن
عوامل زوجی		
احترام نگذاشتن به یکدیگر، عدم مهارت زن در درک کردن مرد، عدم مهارت زن در حمایت کردن از مرد، عدم مهارت زن در قدردانی کردن، عدم مهارت زن در صحبت کردن، عدم مهارت زن در عذرخواهی کردن، محبت نکردن زن و مرد به یکدیگر	فقدان رفتارهای ارتباطی سالم	الگوهای ارتباطی ناکارآمد
قهر کردن زیاد زن، ابراز نکردن عواطف توسط زن	الگوی تعاملی کناره گیری	الگوهای ارتباطی ناکارآمد
شکایت متقابل زن، گذشت نکردن زن، لجباز بودن زن (مرد)	الگوی تعاملی تلافی جویانه	الگوهای ارتباطی ناکارآمد
تداوم سوء تفاهم‌های بین زن و مرد، نقش والدگری زن به جای نقش زوجی، تلاش زن برای تغییر مرد، عدم مهارت زن در حل مساله	فقدان مهارت حل تعارض	الگوهای ارتباطی ناکارآمد
استفاده از مقایسه کردن توسط زن	افکار غیرمنطقی	الگوهای ارتباطی ناکارآمد
دوست نداشتن یکدیگر، وجود طلاق عاطفی بین زن و مرد	فقدان عشق و صمیمیت	الگوهای ارتباطی ناکارآمد
جدی بودن مرد و بی خیال بودن زن، درون گرا بودن مرد و برون گرا بودن زن، منطقی بودن مرد و احساساتی بودن زن	تفاوت شخصیتی	تفاوت‌های بین زن و مرد
تلاش زن برای مجبور کردن مرد به انجام فرائض مذهبی، اختلاف زن و مرد در مورد تربیت مذهبی فرزندان	تفاوت مذهبی	تفاوت‌های بین زن و مرد
سنتی بودن مرد و نوگرا بودن زن	تفاوت فرهنگی	تفاوت‌های بین زن و مرد
بزرگ‌تر بودن زن، هم سن بودن زن و مرد	تفاوت سنی	تفاوت‌های بین زن و مرد
تفاوت زن و مرد در انتخاب نوع اوقات فراغت	تفاوت در علایق	تفاوت‌های بین زن و مرد
بالتر بودن وضعیت مالی مرد	تفاوت در مسائل مالی	تفاوت‌های بین زن و مرد
نیاز به لذت زن و نیاز به پیشرفت مرد	تفاوت در نوع نیازها	تفاوت‌های بین زن و مرد
پایین‌تر بودن سطح تحصیلات زن	تفاوت در سطح تحصیلات	تفاوت‌های بین زن و مرد
باور زن به دوستی قبل از ازدواج و شناخت بهتر، باور زن به مقابله به مثل	اسطوره‌های زناشویی	اسطوره‌های زناشویی
تمایل زن به کنترل دیگران	باورهای جنسیتی زنانه	اسطوره‌های زناشویی
ناتوانی در رابطه جنسی، ناتوانی در حفظ نعوظ	ناتوانی جنسی	اختلالات جنسی مرد
عدم علاقه به ایجاد رابطه جنسی، سرد بودن در رابطه جنسی	بی میلی جنسی	اختلالات جنسی مرد
سریع رسیدن به ارگاسم، کوتاه بودن رابطه جنسی	انزال زودرس	اختلالات جنسی مرد
عوامل خانوادگی		
گسستگی روابط بین پدر و مادر زن، عدم وساطت خانواده اصلی زن برای حل مشکلات	روابط گسسته	تمایز نیافتگی
دخالت‌های خانواده اصلی زن	روابط درهم تنیده	تمایز نیافتگی
فقدان پدر در خانواده اصلی زن، عدم تعهد پدر زن نسبت به وظایف خانوادگی، روابط خانوادگی ناکارآمد در خانواده اصلی زن، دیگتاتور بودن پدر زن، داشتن تجربه طلاق توسط مرد	الگوی نامناسب خانوادگی	ساختار خانواده
استقلال مالی داشتن، شاغل بودن، داشتن منزلت اجتماعی بالاتر از مرد، خود را عقل کل دانستن، داشتن پایگاه اجتماعی اقتصادی بالاتر از مرد	زن سالاری	ساخت قدرت در خانواده
تجربه خشونت در دوران کودکی توسط مرد، تجربه مشکلات مالی زیاد مرد در خانواده اصلی	تجربه سختی زیاد در زندگی	تجربیات نامناسب خانوادگی
عوامل فراخانوادگی		
تورم	نوسانات اقتصادی	عوامل اقتصادی
حجم کار زیاد زن	مشکل در ماهیت کار	عوامل شغلی سازمانی
مشکل ارتباطی زن با همکاران	مشکلات ارتباطی در شغل	عوامل شغلی سازمانی
درصد بالای خشونت در جامعه	بی هنجاری اجتماعی	عوامل اجتماعی
کمبود آموزش مهارت‌های زندگی در جامعه، کمبود آموزش مهارت‌های قبل از ازدواج، آموزش‌های قومی مذهبی ناصحیح	کمبود آموزش‌های صحیح عمومی	عوامل فرهنگی

کدگذاری محوری

اگر در کدگذاری باز داده‌ها را بشکنیم و از هم جدا کنیم، یا به منظور نمایش داده‌ها و مقوله‌های نظری داده‌ها را باز کنیم، کدگذاری محوری دوباره مقوله‌های قبلی را با روش‌های متفاوت مفهومی در کنار هم قرار می‌دهد. بنابراین در کدگذاری محوری بین مقوله‌های اساسی که در کدگذاری باز گسترش یافته‌اند، ارتباطات درونی برقرار می‌شود [۲۴]. در این نوع کدگذاری، مقولات اصلی که از کدگذاری باز داده‌ها تکوین یافته‌اند را با یکدیگر مرتبط کردیم.

در پژوهش‌های داده بنیاد بعد از انجام کدگذاری باز، باید به بررسی شرایط علی، مقوله محوری، شرایط تسهیل گر و زمینه ساز، راهبردهای کنش و کنش متقابل و پیامدها پرداخت. مدل مفهومی مفاهیم اکتساب شده از کدگذاری باز، در ادامه آمده است. رسیدن به کدگذاری محوری، باید از ابتدای مصاحبه اول و کدگذاری‌ها مد نظر قرار داشته باشد. مهم‌ترین قسمت این کدگذاری، مشخص کردن مقوله محوری است. مقوله محوری در این پارادایم، ازدواج نامناسب است. این مقوله، مقوله یا پدیده اصلی است که در اکثر مصاحبه‌ها تکرار شده و بقیه مقولات را زیاد می‌توان به آن، مرتبط ساخت و در ارتباط با این مقوله، عوامل علی، راهبردها، شرایط مداخله گر، شرایط میانجی و همچنین پیامدها، اکتساب می‌شود. زمینه و شرایط مداخله گر روی راهبردها تأثیر مستقیم می‌گذارند. در ادامه به توضیح این عوامل همراه با مثال‌هایی از مصاحبه شوندگان، آورده می‌شود.

شرایط علی

شرایط علی، شرایطی است که بر مقوله محوری اثرگذار است. نتایج حاصل از مصاحبه با مصاحبه شوندگان، نشان می‌دهد که مسائل فیزیولوژیک و بیولوژیک، اولین عامل فردی است که جزء شرایط علی می‌باشد. مصاحبه شونده در این زمینه چنین گفته است: ...ولی من به این نتیجه رسیدم که این صفات دست خودش نیست ژنش. به مادرش رفته، نمی‌تونه اینا رو تغییر بده، بعضی وقتا هم سعی خودش رو می‌کنه ولی خب نمی‌تونه چون که خانوادشم همینجورین.. عامل بعدی، اعتیاد است که نقل قول زیر از مصاحبه، این مساله را نشان می‌دهد:

...چند وقت بود که رفتارای همسرم تغییر کرده بود و منم بهش مشکوک شدم یه بار رفتم سراغ سامسونتش و یه چیزایی دیدم من که نمی‌دونستم چین و رفتم پرسیدم و او هم گفت که شیشس و بعضی وقتا هم مصرف می‌کرد.

عامل بعدی به دست آمده، اختلالات شخصیتی است. اختلالات شخصیتی دامنه گسترده‌ای دارند و به سه گروه عمده تقسیم می‌شوند. مصاحبه شونده به عنوان مثال در مورد وجود اختلال شخصیت پارانویید، چنین می‌گوید:

...من به دیگران سوء ظن و بدگمانم، دیر می‌تونم به دیگران اعتماد کنم و مسائل دیگه که خب فکر می‌کنم که تو ازدواج هم تأثیر گذار بوده. مثلاً من خیلی وقتا فکر می‌کنم که دیگران منو مسخره می‌کنن و در مقابلشون گارد می‌گیرم از همون زمانی که خودم رو شناختم تقریباً اینجوری بودم اینا رو خودم می‌دونم و نمی‌خوام که به همسرم بگید چون ممکنه سوء استفاده کنه...

مورد بعدی، ویژگی‌های شخصیتی است. ویژگی‌های شخصیتی دارای دامنه بیشتری از اختلالات شخصیتی است. نمونه این ویژگی‌ها، اعتماد به نفس پایین است که نقل قول آن در ادامه می‌آید:

...من هیچ برروبی ندارم نه زیام نه هیچی. از خدا ناراحتم که چرا منو آفریده. من اعتماد به نفسم صفره. وقتی با شوهرم صحبت می‌کنم میگه که آگه من نمی‌یومدم تو رو بگیرم تو ول معطل بودی.

مورد بعدی به دست آمده در دسته عوامل زوجی، وجود افکار غیر منطقی است که به عنوان شرایط علی در نظر گرفته شده است. مصاحبه شونده در زمینه فکر غیر منطقی مقایسه کردن، نقل قول زیر را عنوان کرده است:

... فشارهایی که تو زندگیم بود باعث می‌شد که نتونم تو زندگیم فکر کنم. ولی الان خانمای دیگه رو می‌بینم چقدر زود معترض می‌شن، بچه شون آگه تب کنه نوبتی با شوهرشون مراقبت می‌کنن، خب ولی من هیچ وقت این کارا رو نکردم، الانم به خودم میگم که وقتی دیگران اینجورین چرا من مثل اونا نباشم.

طبقه بعدی که جزء شرایط علی قرار می‌گیرد، طبقه خانوادگی است که به چندین مقوله تقسیم می‌شود. اولین مقوله آن تمایز نیافتگی است. مصاحبه شونده در این زمینه، نقل قول زیر را داشته است:

...البته به نظرم الانم این مسائل اونجا درز می‌کنه ولی چون خیلی حرف زدم دیگه شدید نمیشه و به رو خودشون نمی‌یارن. ولی هنوزم همسر من وابسته به خانوادشه. می‌دونید ایشون دقیقاً همون مسایلی رو که در خانواده مادرش اتفاق افتاده رو کپی کرده و در خانه ما اجرا می‌کنه. مقوله بعدی، ساختار خانواده است که نقل قول زیر، آن را نشان می‌دهد:

...همون اتفاقاتی که در رابطه مادر با پدرش می‌افتاده در زندگی ما هم انجام می‌ده، پدر و مادر ایشون همیشه با همدیگه دعوا و مرافعه داشتند، فحش و فحش کاری. ایشونم با بچه‌ها و من اینجوریه منم بهش میگم که ببین من مثل پدرت نیستم قاطی می‌کنم اونم بدجور...

مقوله بعدی، مربوط به تجربیات نامناسب خانوادگی است که مصاحبه شونده در این مورد، این چنین گفته است:

.... من خودم دوران کودکی بدی داشتیم، پدرم معتاد بود، دست بزنی داشت و مارو کتک می‌زد اصلاً نمی‌تونستیم بهش انتقاد کنیم و همه چی همون جور بود که می‌خواست.

مقوله محوری

این مقوله، حادثه یا اتفاق اصلی است که سلسله کنش‌ها و کنش‌های متقابل برای کنترل و اداره کردن آنها معطوف می‌گردد و بدان مربوط می‌شوند.

ازدواج نامناسب، به عنوان مقوله محوری در نظر گرفته شد. عدم شناخت صحیح همسر، یکی از مفاهیم نشأت گرفته از این مقوله است. مصاحبه شونده در این زمینه، این چنین می‌گوید:

...ببینید ما همدیگر رو نشناختیم، زمان عقدمون هم شش ماه بیشتر طول نکشید و به پیشنهاد ایشون رفتم سر خونه زندگیمون. بعدش یه خورده به خانوادهم گیر دادم که چرا این قدر عجله کردید و باید کمک بیشتری بهم می‌کردید تا بتونم همسرم رو بهتر می‌شناختم. مصاحبه شونده دیگری در مورد عدم آمادگی روان شناختی برای ازدواج می‌گوید:

...مساله ديگه آينه كه من و خانمم به جهت شخصيتي هم با هم فرق داريم. من به قول خودش آدم جدی، منطقی و باپشتكاريم ولی اون اينجا رو قبول نداره و بيشتتر خوش، راحت طلب و تنبل و بی خياله. مثلاً بهش می گي كه يه نظمی رو توی وسايل ايجاد كن تا وقتی كه می خواهيم پيداش كنيم راحت باشيم و هي دنبالش نگرديم در حالی كه هر چي ميگم فايده‌اي نداره و كار خودش رو می كنه. تفاوت ديگر، تفاوت مذهبي است كه مصاحبه شونده، به اين صورت به آن اشاره كرده است:

...اول زندگيمون ايشون با مانتو روسري بود و وضع نافرمانی داشت هي با مرور و تكرار تلاش كردم تا حجابش رو درست كنم. الانم جلوی من يه سری مسائل رو با اجبار رعایت می كنه ولی خب ما و خانوادمون تو زمينه مسائل مذهبي خیلی با هم فرق داريم.

تفاوت بعدی، تفاوت سنی است كه به اين صورت مطرح شده است: ...اختلاف سنی ما دو تا سی، سی و پنج ساله و همين باعث ميشه كه همدیگرو درك نكنيم، می دونيد نیازهای ما با همدیگه خیلی فرق داره، من هي در مورد بعضی نیازهام اصرار می كنم ولی اون توجهی بهش نمی كنه نمی دونم نمی تونه يا براش مهم نیست.

تفاوت ديگر در مورد تفاوت در مسائل مالی و سطح تحصیلات است كه در مصاحبه به اين صورت مطرح شده است:

...چون سطح سواد و درآمدشون از من و خانواده من پایین تره، همين باعث می شه كه وقتی صحبت می كنيم حرف همدیگرو متوجه نشيم... آگه ما در يك زمينه و تحصیلات بوديم به نظرم بهتر می شد كه مشكلاتمون رو حل كنيم و از مسائل ديگه جلوگیری كنيم ولی خب الان اينجوری نیست.

مقوله بعدی، اسطوره‌های زناشویی می باشد. مصاحبه شونده در زمينه تعيين وقت مشخص ازدواج چنین می گوید:

...با خودم شرط كردم كه بايد امسال حتماً تا عيد ازدواج كنم و بلاخره به يه تصميم نهايي برسم. احساس می كردم كه سنم (۲۹ سالگی) خیلی زياد شده و ديگران در مورد من چه فكري می كنند. همين شد كه ازدواج رو خیلی سرسری گرفتم...

يا مصاحبه شونده ديگری در مورد اسطوره ازدواج به عنوان راه حل مشكلات و برای بچه دار شدن می گوید:

...من دوران مجرديم كلي مشكل داشتم و گفتم ازدواج می كنم به اين اميد كه اينجا حل بشن ولی الان می بينم كه نه تنها اونا حل نشده بلكه مسائل ديگه ای هم اومده. من خودم عاشق بچه‌ام اصلاً ازدواج كردم به خاطر بچه. ولی همسرم اينجا رو قبول نداره...

شرایط میانجی

در این پژوهش، شرایط میانجی شامل عوامل اقتصادی، عوامل شغلی و سازمانی، عوامل اجتماعی و عوامل فرهنگی می شود، كه همگی در دسته عوامل فراخانوادگی قرار می گیرند.

عوامل اقتصادی به این شكل در مصاحبه آورده شده است:

...يكي از چیزایی كه رابطه ما رو به هم زد همين تورم بود، وقتی تورم زياد شد من نتونستم كه اوضاع رو سر و سامون بدم، درآمد كافي نبود و يه پولی هم داشتم كه از بين رفت...

مساله بعدی، عوامل شغلی و سازمانی است كه مصاحبه شونده نسبت به آن تأكيد كرده است:

...همسرم من مثل بچه هاس اصلاً کسی نیست كه بشه روش حساب كنی يه مشكلای داری حلش كنه. كاملاً مثل بچه هاس. من ۶ سال بچه بزرگ كردم. تا اونجا كه سينك ظرفشویی خراب ميشه من بايد برم تو فاضلاب. پكيچ خراب ميشه من بايد برم جعبه ابزار بيارم درستش كنم. اين كه نشد زندگی. مثل بچه هاس آزاری نداره ولی بزرگ هم نمیشه خسته شدم ديگه...

يا مصاحبه شونده ديگری در مورد ملاك‌های ناكافی برای ازدواج چنین می گوید:

...ملاكم برای ازدواج فقط اين بود كه آدم خانواده داری باشه سالم باشه، معتاد نباشه به خاطر اينكه ازدواج قبلیم معتاد بود و كلي دردسر كشيدم تا تونستم ازش جدا بشم و خب ايشون معتاد نبود ولی الان بعضی وقتا فكر می كنم كه همون همسرم اولم درسته كه معتاد بود ولی رفتاریی داشت كه خیلی بهتر از ايشون بود...

راهبردهای کنش و کنش متقابل

راهبردها، کنش‌ها و برهم کنش‌های خاصی است كه از مقوله محوری حاصل می شود. در این پژوهش، این راهبردها، شامل الگوهای ارتباطی ناکارآمد می باشد كه خود به فقدان رفتارهای ارتباطی سالم، الگوی تعاملی كناره گیری، الگوی تعاملی تلافی جویانه، فقدان مهارت حل تعارض تقسیم می شود. در ادامه نمونه‌هایی از جملات مصاحبه شونده‌ها در این زمينه آورده می شود.

مصاحبه شونده در مورد فقدان رفتارهای ارتباطی سالم چنین می گوید: ...ديگه اينكه توی زمانی كه درد دل می كرده من نتونستم حرفاش رو خوب بشنوم و بيشتتر سعی می كردم كه راهكار بدم. اينو من خودم می دونم و چندین بار هم همسرم گفته ولی من نتونستم اين عادت رو بذارم كنار...

الگوی تعاملی كناره گیری به اين صورت در مصاحبه آمده است:

...مشكلات زيادی هم داريم ولی ديگه ترجيح می ديم كه حرف نزويم چون ايشون ناراحت ميشه و قهر می كنه تا چند روز تا دوباره سر صحبت باز بشه اين منو خیلی اذيت می كنه و تصميم می گيرم كه دوباره در مورد ناراحتی يام صحبتی نكنم...

الگوی تعاملی تلافی جویانه نیز توسط مصاحبه شونده اشاره شده است: ...هر چي به دهنم می اومد می گفتم ايشون هم می گفت و من هم بيشتتر ناراحت می شدم، ما انگار دو تا ييمون دنبال انتقام گرفتن هستيم يا اينكه لجبازی می كنيم نمی دونم...

عامل بعدی، فقدان مهارت حل تعارض است كه در مصاحبه زیر آمده است:

...موقع عصبانيت فحش می دم و حرفایی رو می زنم كه طرف مقابل رو اذيت می كنه. يا تو اون حالت آگه انتقاد كنم انتقادها هم خیلی رك و صريحه كه تا چند وقت ممكنه كه تو ذهنش بمونه ولی خب هيچ موقع مشكلات ما حل نشده...

شرایط مداخله گر

تفاوت‌های بين زن و شوهر و اسطوره‌های زناشویی كه هر دو جزء عوامل زوجی محسوب می شود، شرایط مداخله گر پژوهش را تشكيل می دهد. تفاوت‌های بين زن و شوهر در حوزه‌های مختلفی، مطرح می شود كه يكي از آنها تفاوت شخصيتی است. مصاحبه شونده در اين مورد، اين گونه می گوید:

موارد بعدی در مورد انحرافات و اختلالات جنسی است که در ادامه نمونه‌های آن ذکر می‌شود. مصاحبه شونده در مورد عدم تمایل به رابطه جنسی چنین می‌گوید:

مشکلات ما حتی به رابطه زناشویی ما هم منتقل شده و من بعضی وقتا واقعاً علاقه‌ای به این رابطه ندارم یا بعضی وقتا زمان خیلی زیادی هم می‌گذره ولی من تمایلی به این رابطه نداشتم.

یا مصاحبه شونده دیگری در مورد استمنای همسرش چنین می‌گوید: بعد از ازدواجمون، می‌دیدم که خودارضایی می‌کنه، فوق العاده شدید خیلی هم به من قول داد ولی انجامش نداد، خیلی من اذیت شدم خیلی، به تصویری توی ذهنشه و می‌گه که من آگه اونجوری بودم هیچ مشکلی با من نداشت ولی خب من نمی‌تونم اونجوری باشم. در ادامه مدل مفهومی عوامل گفته شده، آورده شده است.

کدگذاری انتخابی (مرحله نظریه پردازی)

سومین عملیات در تحلیل داده بنیاد، کدگذاری انتخابی است. بعد از اینکه شرایط علی، مقوله محوری، راهبردهای کنش و کنش متقابل، شرایط مداخله گر و میانجی و پیامدها را در کدگذاری محوری مشخص کردیم. در کدگذاری انتخابی نوبت به معنادار کردن روابط بین مفاهیم است. این مهم از مصاحبه اول مد نظر قرار گرفت. خط اصلی داستان مشخص شد و توضیح داده شد. مقوله‌های به دست آمده به همدیگر مرتبط شدند و در انتها هم مراجعه چندباره به داده‌ها و مصاحبه‌ها صورت گرفت تا از صحت مقولات به دست آمده اطمینان حاصل شد. برای رسیدن به این هدف، باید یک سری مراحل طی شود. اولین قدم، متضمن توضیح خط اصلی داستان است. قدم دوم، ربط دادن مقولات تکمیلی است برگرد مقوله اصلی با استفاده از یک پارادایم. قدم سوم مرتبط ساختن مقولات به یکدیگر در سطح بعدی است. چهارم، به تأیید رساندن آن روابط در قبال داده‌هاست. پنجم و آخرین قدم تکمیل مقولاتی است که اصلاح و یا نیاز به بسط و گسترش دارند. لازم است که توجه داشته باشیم که لزومی ندارد این مراحل به ترتیب طی شود و محقق پیوسته در بین آنها در رفت و آمد است [۲۲].

همان گونه که در مدل پارادایمی، مشاهده می‌شود پدیده و مقوله محوری در علت‌های زمینه ساز خشونت خانگی زنان علیه مردان از دیدگاه مردان، ازدواج نامناسب است. ازدواج نامناسب در مصاحبه‌های مختلف و توسط مصاحبه شونده‌ها تکرار شده است. عوامل فردی همچون مسائل فیزیولوژیک و بیولوژیک، اعتیاد، اختلالات شخصیتی و ویژگی‌های شخصیتی و عوامل زوجی همچون وجود افکار غیر منطقی و عوامل خانوادگی مانند تمایزناپافتگی، ساختار خانواده و تجربیات نامناسب خانوادگی به عنوان علت‌های به وجود آورنده ازدواج نامناسب، محسوب می‌شود. زن و مرد در مقابل این خشونت، دست به یک سری از راهکارهای غلط می‌زنند تا بتوانند با خشونت روبرو شوند. آن‌ها الگوهای ارتباطی ناکارآمدی را به کار می‌گیرند، رفتارهای سالم را یا بلد نیستند و یا اجرا نمی‌کنند، بیشتر به دنبال قهر و انتقام از همسر هستند و مهارت لازم را برای حل مشکلاتشان ندارند و در اینجا است که مشکلاتشان بیشتر می‌شود و حاصل این راهکارهای غلط، سوء مصرف دارو، ایجاد احساس ناکامی، ناامیدی و درماندگی و همچنین از بین رفتن عشق و صمیمیت بین زن و مردان می‌شود.

...مثلاً به دلیل مشکلی که برای کار من به وجود اومد الان تو آژانس دارم کار می‌کنم حالا در آینده بتونم یه کار دیگه ای رو دست و پا کنه که هم از لحاظ درآمد و هم استرس متفاوت باشه. الان من ساعت ۶،۳۰ صبح می‌زنم بیرون تا ساعت ۹ یا ۱۰ شب تقریباً بر می‌گردم خونه. با توجه به اینکه من هر روز تو ترافیکم و حرارت دما، سر و کله زدن با مسافر و آژانس و هزینه و مسیر اذیت می‌کنه، وقتی می‌يام خونه همسرم هم از من انتظار داره که اون موقع بشینم باهاش حرف بزوم در حالی که بعضی وقتا اصلاً ناهار نخوردم و استراحت نکردم...

عوامل اجتماعی مقوله بعدی این طبقه می‌باشد که نمونه آن در مصاحبه به این صورت است:

...البته ایشون بعدش ارتباطات خودش زیاد بوده و خیلی از دوستانش هم افراد موجهی نبودند. مثلاً می‌یاد میگه که امشب ساعت ده قرار دارم و تا دوازده نیستم. می‌خوام بذارم خونه مادرت اینا. وسایلت رو حاضر کن بریم خونه مادرت. من موافقت نمی‌کنم و خیلی مخالفم ولی خب با حرف راضی می‌کنه دیگه بحث رو نکشم به خاطر بچه. و اونم با دوستاش می‌ره این ور اون ور و حتی بعضی شبا هم همون جا می‌مونن.

مقوله بعدی، عوامل فرهنگی است. مصاحبه شونده در مورد تأثیر کمبود آموزش‌های قبل از ازدواج می‌گوید:

...یعنی شما بهشون یاد ندادید که نقش مادر یا همسر رو بازی کنن. این‌ها به یک سنی می‌رسند و می‌گن که ازدواج کنید قبلیش به اینا یاد ندادیم که چطور با شوهرت رفتار کنی. ماها هم یاد نگرفتیم. ما هم اومدیم پدرمون به ما یاد نداد که آقا روش زندگی کردن آینه.

پیامدها

پیامدها، خروجی استفاده از راهبردها می‌باشند. در قسمت عوامل فردی، احساس ناکامی و در قسمت عوامل زوجی، فقدان عشق و صمیمیت، رابطه فرازناشویی، انحرافات جنسی مرد و اختلالات جنسی مرد قرار می‌گیرد.

مصاحبه شونده به وجود احساس ناکامی به این صورت اشاره کرده است: ... البته ما یکی دو سال ادامه دادیم و صبر کردیم تا شاید اوضاع خوب بشه ولی نتیجه‌ای نداد. و دیدیم که داره بدتر میشه. الانم می‌دونم که آگه از همدیگه جدا نشیم چند وقت دیگه اوضاعمون خیلی بدتر از الان می‌شه. هیچ امیدی به ادامه این رابطه ندارم درست نمیشه...

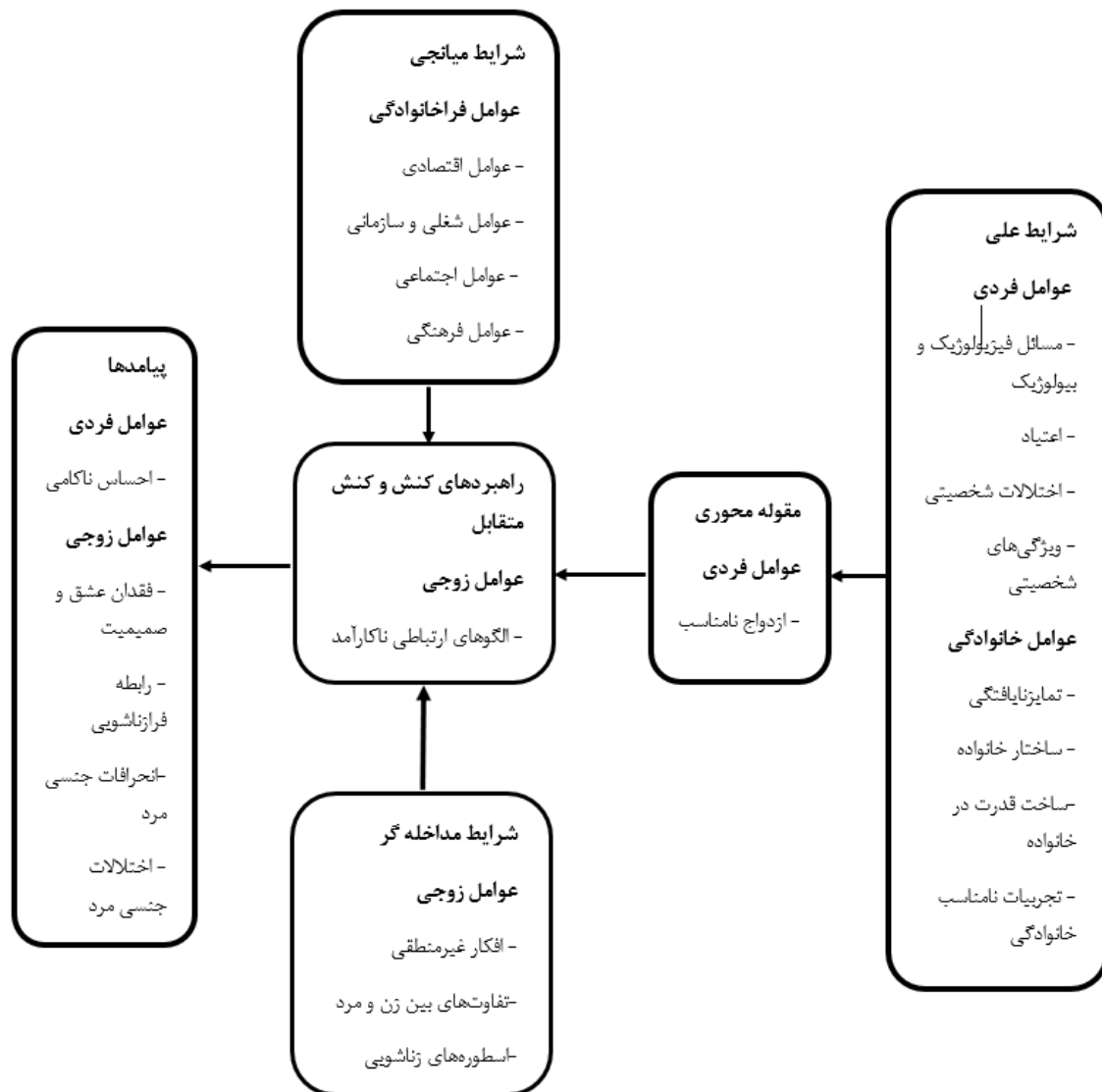
مصاحبه شونده فقدان عشق و صمیمیت را این گونه بیان کرده است: ...ما همدیگر رو آنچنان دوست نداریم یعنی در حال حاضر کار می‌کنیم ولی خیلی همدیگرو دوست نداریم بیشتر مشغول فعالیت‌های دیگه هستیم زندگی هم کاملاً به عادت شده، نه حرف محبت آمیزی، نه حرکتی، هیچی...

مصاحبه شونده رابطه فرازناشویی را این گونه بیان کرده است:

... بنگاه داری که همین خانم معرفی کرده بود، در جریان بحث‌ها و ارتباطات همسرم با اون خانم بود طوری که ارتباطاتشون خیلی هم ناشایست بود. شوهر من از سال‌ها می‌خواست که با دو نفر باشه و من نمی‌تونستم بپذیرم. این موضوع پنج شش ساله که هست و من سه ساله که فهمیدم.

است، بیشتر می‌شود. از طرف دیگر مشکلات اقتصادی، اجتماعی، شغلی و سازمانی و فرهنگی هم که فراتر از خانواده قرار می‌گیرد ولی روی خانواده تأثیر می‌گذارد، باعث می‌شود که استفاده از راهکارهای غلط بیشتر شود.

بعد از ورود به زندگی زن و شوهری، همسران یک سری دیگر از عوامل را تجربه می‌کنند که می‌تواند تسهیل گر و زمینه ساز استفاده بیشتر زوجین از راهکارهای غلط، باشد. بعد از ورود به یک ازدواج نامناسب، زن و مرد هر قدر، تفاوت‌های بیشتری را در حوزه‌های مختلف با همسرشان، تجربه کنند، یا اسطوره‌های زناشویی بیشتری داشته باشند، تمایل و توسل به راهکارهای غلط که همان الگوهای ارتباطی ناکارآمد



تصویر ۱: مدل مفهومی عوامل زمینه ساز خشونت خانگی زنان علیه مردان از دیدگاه مردان

بحث

(۲۰۰۴)، در بررسی علت و عوامل خشونت نسبت به زنان به این نتیجه رسیدند که تاریخچه سوء رفتار فیزیکی، نارضایتی زناشویی، سوء مصرف الکل، مصرف دارو، ایدئولوژی نقش جنسی سنتی، خشم و تجاوز و افسردگی جزء عوامل مهم ارتکاب به خشونت، هستند [۱۷]. سیمونز و همکارانش (۲۰۰۸) هم در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که ارتباط مثبت و معناداری بین استفاده از مشروبات الکلی توسط زنان و خشونت علیه مردان وجود دارد [۲۵].

در بررسی و تحلیل به دست آمده از کدهای به دست آمده در مورد خشونت خانگی زنان علیه مردان به این نتیجه رسیدیم که عوامل ژنتیکی یکی از عوامل ایجاد خشونت می‌باشد به عبارت دیگر زانی که والدینی پرخاشگر دارند بیشتر این احتمال وجود دارد که دچار خشونت شوند که این مساله با نظریه زیستی و بیولوژیکی متناسب می‌باشد. عامل بعدی به دست آمده، اعتیاد بود که در پژوهش‌های مختلف به اثر این عامل نیز پرداخته شده است. به عنوان مثال استیت و همکاران

خشونت‌هایی را ایجاد می‌کند. همراه با فرایندهای متفاوت اجتماعی شدن که مردان و زنان تجربه می‌کنند، مردان دارای کلیشه‌های نقش جنسیتی هستند که در مورد تسلط و کنترل می‌باشد. در حالی که زنان، از زمان کودکی با احساس ضعیف تربودن رشد می‌کنند و نیازمند مراقبت می‌باشند. این احساس درماندگی زنان در مراحل مختلف زندگی، منجر به خشونت می‌شود [۳۱].

عوامل بعدی به دست آمده از پژوهش، در مورد عوامل خانوادگی بسترساز خشونت خانگی می‌باشد. شواهدی از پژوهش‌های گذشته هم به این عوامل اشاره کرده‌اند. مثلاً پژوهش‌هایی در مورد وجود یا عدم وجود تمایز یافتگی و ارتباط آن با خشونت خانگی انجام شده است. تحقیقات نشان داده‌اند که تمایز یافتگی با اضطراب مزمن (اسکورون و فریدلندر)، سلامت جسمانی (پلگ - پاپکو، ۲۰۰۲)، رضایت زناشویی (اسکورون، ۲۰۰۰)، خشونت در رابطه با دیگران (اسکورون و پلات، ۲۰۰۵)، سوء مصرف مواد (توربرگ و لایورز، ۲۰۰۵)، کیفیت زندگی، سلامت و کیفیت روابط بین فردی (قره باغی، ۲۰۱۱) رابطه معنادار دارد [۳۲]. یا در پژوهش‌ها، به نقش مشاهده خشونت در دوران کودکی در ایجاد این آزارها در دوران بزرگسالی، اشاره شده است. یک فراتحلیل از ۵۲ مطالعه گذشته تأیید کرد که مشاهده خشونت والدین در دوران کودکی، منجر به بروز خشونت در دوران بزرگسالی زن و مردان می‌شود [۳۳]. همچنین وجود تجربیات نامناسب خانوادگی هم مورد حمایت پژوهشی قرار گرفته است. تی ناود و ای پرسون (۲۰۰۸)، وضعیت خشونت خانگی علیه زنان در سنین باروری را در چند کشور مختلف آسیایی بررسی نموده و گزارش کردند که در بنگلادش، چنانچه مادر یا مادر مرد یک زن باردار در گذشته، متحمل اعمال خشونت آمیز از طرف همسر خود بوده، احتمال اینکه او نیز دچار این وضعیت در دوران بارداری خود شود، افزایش می‌یابد. همچنین این مطالعه نشان داد که سن زیر ۱۹ سال زن، تحصیلات پایین مرد، جهیزیه ناکافی زن و کم بودن حمایت خانواده زن از وی، احتمال افزایش خشونت را خواهد داشت. علاوه بر این ساخت قدرت در خانواده هم مورد توجه قرار گرفته است [۳۴].

جولیا بابکو و دیگران (۱۹۹۳)، در تحقیقی با عنوان قدرت و خشونت روابط بین الگوهای ارتباطی و خشونت خانگی به این نتیجه رسید که تفاوت‌های قدرت در روابط زناشویی باعث می‌شود، مردانی که نسبت به همسرشان به منابع قدرت کمتری دسترسی دارند بیشتر دست به خشونت می‌زنند. ساخت قدرت زناشویی از سه حوزه تفاوت در پایگاه اقتصادی، قدرت تصمیم‌گیری، الگوهای ارتباطی و مهارت‌های ارتباطی نشأت می‌گیرد. بنابراین به نظر می‌رسد که خشونت رفتاری برای مردانی که فاقد قدرت در دیگر عرصه‌ها هستند، جبران‌کننده است. متغیرهای پایگاه اقتصادی اجتماعی به طور معناداری با خشونت مردان یا آزار روانی مرتبط بود [۳۵].

در مفاهیم بعدی به نقش عوامل فراخانوادگی به عنوان زمینه ساز خشونت خانگی رسیدیم که با تاملی در پژوهش‌های سابق، اثر این مفاهیم مشخص می‌شود. عوامل اقتصادی، به عنوان عوامل اثرگذار مهم در بروز خشونت خانگی، مطرح می‌شود. در زمینه یابی انجام گرفته در مورد زنان کشور کانادا (۱۹۹۳) به این نتیجه رسیده شد، زنانی که وضعیت اقتصادی پایینی دارند و درآمدشان زیر ۱۵۰۰۰ دلار می‌باشد و همچنین کسانی که بین سن ۱۸ تا ۲۴ سالگی قرار دارند و همچنین

عامل بعدی، وجود احساس ناکامی است. در این حالت، افراد احساس ناامیدی و به بن بست رسیدن می‌کنند و امیدوی به بهتر شدن آینده‌شان ندارند. تحقیقات زیادی در دنیا نشان داده که احساس شکست منجر به تجربه کردن احساسات دیگری چون ناامیدی، افسردگی، خودکشی و موارد دیگر می‌شود [۲۶]. عامل بعدی به دست آمده، ازدواج نامناسب است. رحیمی، عارفی و مرادی زاده (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیدند که میزان رضایت زناشویی در بین افرادی که با شیوه همسرگزینی دوستی و مخالفت خانواده اقدام به گزینش همسر نموده‌اند با افرادی که با شیوه آشنایی و رضایت خانواده، همسر خود را انتخاب نموده‌اند و همچنین با افرادی که همسر خود را با شیوه آشنایی قبلی و اجبار در ازدواج انتخاب کرده‌اند تفاوت معناداری وجود دارد و افرادی که با شیوه آشنایی و رضایت خانواده همسرگزیده‌اند از میزان رضایت زناشویی بیشتری نیز برخوردارند [۲۷].

عامل بعدی زمینه ساز خشونت خانگی، وجود اختلالات شخصیتی و ویژگی‌های شخصیتی منفی در همسران است که اثر این عامل در بروز خشونت خانگی هم در پژوهش‌های سابق مشاهده می‌شود. به عنوان مثال پژوهش محمدخانی (۱۳۸۵) نیز نشان می‌دهد که مردان همسر آزار به طور معناداری علائم بیشتری از جسمانی سازی، وسواس، افسردگی، اضطراب، خصومت، اضطراب، افکار پارانوییدی و روان پریشی بروز داده‌اند [۲۸]. سوگرمن نیز بر دو عامل شخصیت ضد اجتماعی و مرزی در افراد مرتکب تأکید دارد. این تحقیق به نیمرخ شخصیتی و ارتباطی متفاوتی از غیر مرتکبین برای خشونت ورزان معتقد است. کارلسون، گاندولف و راسل در ارائه یکی از مشهورترین الگوهای تیپ شناسی افراد مهاجم، آنان را در سه طبقه قرار دادند: آزارگر جامعه ستیز، آزارگر ضد اجتماعی و مهاجمان تیپیک و دسته اول را خطرناک‌ترین موارد اعلام نمودند [۲۸]. یکی دیگر از عوامل به دست آمده که در دسته عوامل زوجی قرار می‌گیرد، وجود الگوهای ارتباطی ناکارآمد است. میرشفیعیان (۱۳۹۵) هم در مورد علت‌های خشونت زنان علیه مردان به موارد زیر اشاره می‌کند:

یکی از این موارد، خشونت روانی است که در زیرمجموعه آن، مواردی همچون بی توجهی مردان، نداشتن ثبات در زندگی خانوادگی، تحقیرشدن زنان توسط پدرانشان، عرضه‌های دوران بلوغ و بی توجهی به آنها، تهدید مرد به عدم پرداخت مهریه و القا کردن حس تبعیض توسط مردان می‌باشد. یکی دیگر از دلایل مهم خشونت علیه مردان، سکوت آنهاست. وقتی که اکثر مردان، دچار خشونت می‌شوند، سکوت می‌کنند و به غار تنهایی خودشان می‌روند. علاوه بر این، مردان به دلیل جایگاه خاص اجتماعی خود و ترس از مورد تمسخر و استهزا قرار گرفتن تمایلی به بیان مواقع خود ندارند و به همین دلیل ارتکاب جرائم بر علیه آنان مخفی باقی می‌ماند [۲۹]. مساله دیگر وجود تفاوت‌های بین زن و مرد است. پژوهش‌های مختلف انجام گرفته در این زمینه هم نشان می‌دهد که وجود این تفاوت‌ها می‌تواند زمینه ساز خشونت‌های نسبت به همسر شود. به عنوان مثال، Kristin Anderson (۱۹۹۷)، پژوهشی با عنوان جنسیت، پایگاه و خشونت خانوادگی در امریکا روی نمونه‌ای شامل ۲۴۹۵ مرد و ۲۵۸۹ زن انجام داد و به این نتیجه رسید که مردانی که از وضعیت اقتصادی پایین‌تری نسبت به همسرشان برخوردار بودند به طور معناداری بیشتر مرتکب خشونت خانوادگی می‌شوند [۳۰]. عامل بعدی، وجود اسطوره‌های زناشویی در زن و مرد می‌شود و همین مساله

نتیجه گیری

بر اساس پژوهش انجام شده، عوامل زمینه ساز خشونت زناشویی زنان علیه مردان به چهار طبقه کلی عوامل فردی، عوامل زوجی، عوامل خانوادگی و عوامل فراخانوادگی تقسیم می‌شود که هر یک دارای مقولات، مفاهیم و کدهای ثانویه و کدهای اولیه مختلفی می‌باشد. در پایان، پیشنهاد می‌شود که کارگاه‌های آموزشی در راستای ارتقای مهارت‌های همسرمداری، شیوه‌های ارتباطی کارآمد و مهارت‌های زندگی در جهت پیشگیری از خشونت زناشویی تشکیل شود؛ زوج‌ها به مشاوره‌های قبل از ازدواج و پس از ازدواج خصوصاً در سال‌های ابتدایی زندگی مشترک ملزم شوند و آگاهی‌های لازم به خانواده‌ها در خصوص پیامدهای ازدواج اجباری ارائه گردد و فرهنگ استفاده از خدمات مشاوره خانواده و مددکاری اجتماعی اشاعه و همچنین استفاده از خطوط مشاوره تلفنی و اورژانس اجتماعی در راستای کاهش این نوع خشونت‌ها و مداخله‌های به موقع، اشاعه پیدا کند. با توجه به اینکه پژوهش حاضر در شهر تهران انجام شده، نتایج آن قابل تعمیم نمی‌باشد.

سپاسگزاری

در پایان از اساتید محترم برای هدایت رساله و همچنین مصاحبه شوندگان، کارکنان دادسراها و مراکز مشاوره که همکاری لازم را برای اجرای مصاحبه‌ها داشتند، کمال تشکر به عمل می‌آید.

تضاد منافع

هیچ گونه تضاد منافی برای نویسندگان این مقاله وجود ندارد.

تحصیلات پایین‌تری دارند بیشتر خشونت را تجربه می‌کنند. عوامل شغلی سازمانی از جمله بیکاری هم می‌تواند زمینه ساز خشونت خانگی باشد. به عنوان مثال بعضی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان خانه دار و کسانی که دریافتی پایینی داشته‌اند نسبت به دیگران خشونت بیشتری را تجربه کرده‌اند. همچنین پژوهش‌های انجام شده در مورد خشونت علیه زنان نشان گر این مساله است که ۲۷ درصد خودکشی‌های زنان استرالیا در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲، در حین کار و استخدامشان بوده است [۳۶].

همچنین عوامل اجتماعی می‌تواند منجر به بروز خشونت شود. به عنوان مثال کاپالدی و همکاران (۲۰۱۲)، با مروری بر بیش از ۲۰۰ مطالعه به این نتیجه رسیدند که چندین عامل خطر دموگرافیک و بافتی همچون جوان بودن سن، عضویت در گروه اقلیت، استرس، نوع دوستان و حمایت اجتماعی، سوء مصرف مواد و رضایت یا تعارض در رابطه، می‌تواند وجود خشونت را پیش بینی کند. این مطالعات همچنین نشان داد که مجموعه‌ای از عوامل خطرساز همچون تجربه کودک آزاری، مشاهده خشونت والدین، ارتباط با والدین پرخاشگر در دوران نوجوانی و رفتارهای ضداجتماعی می‌تواند جزء عوامل زمینه ساز خشونت باشد [۳۷].

عوامل فرهنگی هم می‌تواند زمینه ساز بروز خشونت خانگی باشد. محمدی و میرزایی (۱۳۹۱)، زمینه‌های تربیتی و فرهنگی، نقش عمده‌ای در پدیده همسرآزاری دارد به طوری که مردانی که در کودکی در خانواده‌های خود شاهد کتک خوردن مادران خود بوده‌اند و مردان معتاد بیشتر به خشونت علیه زنان روی می‌آورند [۳۸].

References

1. Monadi M. [The effect of the same concepts and definition of couple in marital satisfaction from the perspective of women]. *Women Stud Sociol Psychol*. 2005;2(1):36-9.
2. Catheral D. [Family therapy in special situations: infertile couples, the death of children, elderly parents]. Tehran: Tandise Elm; 2006.
3. Halford D. [Short-term couple therapy]. Tehran: Ravan; 2004.
4. Fisher TD, McNulty JK. Neuroticism and marital satisfaction: the mediating role played by the sexual relationship. *J Fam Psychol*. 2008;22(1):112-22. doi: 10.1037/0893-3200.22.1.112 pmid: 18266538
5. Kamrani A. [Review and understand the prevalence of domestic violence against women and its influencing factors in families living in Dare Shahr]. 2008.
6. Kohulat N. [The relationship between metacognition beliefs and personality traits with believed to chance in women victims of domestic violence in Shiraz city]. 2011.
7. Mirzaee Mehr M. [Prevalence of domestic violence against women referred to the police, councils and welfare centers of Khorramabad dispute resolution and its factors in 2010 – 2011]. 2011.
8. Mitchell L. Domestic violence in Australia: an overview of the issues. Canberra: Parliamentary Library; 2011.
9. Giridhari S. Domestic violence against women in Nepal. Gender, technology and development: Sage publications; 2007.
10. Dufort M, Stenbacka M, Gumpert CH. Physical domestic violence exposure is highly associated with suicidal attempts in both women and men. Results from the national public health survey in Sweden. *Eur J Public Health*. 2015;25(3):413-8. doi: 10.1093/eurpub/cku198 pmid: 25471557
11. Williams L. Essential assessment skills for couples and family counselors. Tehran: Ravan; 2013
12. Thomas KB, Urbancik W, Turecek PL, Gritsch H, Schreiber J, Weber A, et al. Continuous infusion of FVIII and FIX concentrates: in vitro analysis of clinically relevant parameters. *Haemophilia*. 1999;5(1):17-25. pmid: 10215943
13. Costanzo M, Crawth D. [Criminal Psychology]. Tehran: Avaye Noor; 2015.
14. Lupri E. Intimate partner violence against men. Ottawa, Ontario: National clearinghouse on family violence; 2004.
15. WHO. World Report on Violence and Health. Geneva: World Health Organization, 2002.
16. Sheikh F. [Comparison of differentiation and self-concept in divorced and non-divorced women have experienced domestic violence]. 2011.

17. Costa BM, Kaestle CE, Walker A, Curtis A, Day A, Toumbourou JW, et al. Longitudinal predictors of domestic violence perpetration and victimization: A systematic review. *Aggres Violent Behav.* 2015;24:261-72. doi: [10.1016/j.avb.2015.06.001](https://doi.org/10.1016/j.avb.2015.06.001)
18. Ackerman JM. Over-reporting Intimate Partner Violence in Australian Survey Research. *Brit J Criminol* 2016;56(4):646-67. doi: [10.1093/bjc/azv066](https://doi.org/10.1093/bjc/azv066)
19. Hamby S. *Battered Women's Protective Strategies: Stronger than You Know.* Oxford Oxford University Press; 2014.
20. Mansourian Y. [Seventy applications in the design and implementation of qualitative research]. Iran2012.
21. Hariry N. [Basics and method of qualitative research]. Iran: Azad Islami University Press; 2010.
22. Strauss A, Corbin J. *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Technique.* 2nd ed. London, Newbury Park: Sage publications; 1998.
23. Hooman HA. [Handbook of qualitative research]. Tehran: Samt 2012.
24. Abolmali K. [Qualitative research from theory to experiment]. Tehran: Elm; 2012.
25. Simmons CA, Lehmann P, Cobb N. Women arrested for partner violence and substance use: an exploration of discrepancies in the literature. *J Interpers Violence.* 2008;23(6):707-27. doi: [10.1177/0886260507313945](https://doi.org/10.1177/0886260507313945) pmid: [18391060](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/18391060/)
26. Tarsefy M, Klantar Kooshe SM, Lester D. [Normalization of sense of failure questionnaire and its relations with despair and depression among students of Allameh Tabatabai University]. *J Clin Psychol.* 2015;5(19):81-98.
27. Rahimi R, Arefi M, Moradzadeh S. [Survey of Relation between personal - familial factors and marriage preferences with marital satisfaction in couples both working in education]. *Woman Fam Stud J.* 2015;7(29):53-71.
28. Mohammad Khani P, Mohammadi M, Rezaei dogahe E, Azadmehr H. [Psychopathology and men personal and relationship problems who commit domestic violence]. *J Rehabil Med.* 2006;7(4):6-15.
29. Mirshafian S. [The causes of female violence against men]. Code: 387472016.
30. Anderson K. Gardner, Status & domestic violence. *J Marriage Fam Violence Lifespan.* 1997.
31. Saravanan S. *Violence against women in India a literature review.* Institute of social studies trust; 2005.
32. Gharabaghi F, Besharat MA, Rostami R. [Differentiation and chronic anxiety symptoms in the family emotional system design and evaluate the effectiveness of intervention According to Bowen family systems]. *J Fam Counsel Psychother.* 2015;5(1):1-22.
33. Hotaling GT, Sugarman DB. An analysis of risk markers in husband to wife violence: the current state of knowledge. *Violence Vict.* 1986;1(2):101-24. pmid: [3154143](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/3154143/)
34. Naved RT, Persson LA. Factors associated with physical spousal abuse of women during pregnancy in Bangladesh. *Int Fam Plan Perspect.* 2008;34(2):71-8. doi: [10.1363/ifpp.34.071.08](https://doi.org/10.1363/ifpp.34.071.08) pmid: [18644758](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/18644758/)
35. Babcock JC, Waltz J, Jacobson NS, Gottman JM. Power and violence: the relation between communication patterns, power discrepancies, and domestic violence. *J Consult Clin Psychol.* 1993;61(1):40-50. pmid: [8450106](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/8450106/)
36. Mouzos J, Makkai T. *Women's experiences of male violence: Findings from the Australian component of the International Violence Against Women Survey (IVAWS): Australian Institute of Criminology Canberra; 2004.*
37. Capaldi DM, Knoble NB, Shortt JW, Kim HK. A Systematic Review of Risk Factors for Intimate Partner Violence. *Partner Abuse.* 2012;3(2):231-80. doi: [10.1891/1946-6560.3.2.231](https://doi.org/10.1891/1946-6560.3.2.231) pmid: [22754606](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/22754606/)
38. Mohammadi F, Mirzaee R. [Survey of Social Factors Affecting violence against women]. *J Iran Soc Stud.* 2012;6(1):101-29.